

ضرورت پیوند هیأت‌های اهل بیت با اهل سنت

گفتاری از آقای علیرضا کمیلی
در یازدهمین نشست هم‌اندیشی خادمان استانی





صحیفه ۲۶

وحدت اسلامی ۷، تابستان ۱۳۹۷

ضرورت پیوند هیأت های اهل بیت^{علیهم السلام} با اهل سنت
گفتاری از آقای علیرضا کمیلی در یازدهمین نشست هم اندیشی خادمان استانی و هفتمین
نشست تخصصی دبیران ستادهای استانی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و جامعه ایمانی مشعر،
شهریورماه ۱۳۹۶

تهیه و تنظیم: معاونت تولید رسانه های جامعه ایمانی مشعر

طراح جلد: سید محمد دانا

صفحه آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت ها، در صورت ذکر منبع آزاد می باشد.



جامعه ایمانی مشعر

قم، صندوق پستی: ۱۵۱۳ - ۳۷۱۹۵

رایانامه: info@۱۵۴۲.org

سامانه پیامک: ۱۵۴۲-۳۰۰۰

پایگاه اطلاع رسانی: www.۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

دبیران استانی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی نشست‌هایی به میزبانی جامعه ایمانی مشعر داشته و مهم‌ترین مسائل مربوط به عرصه هیأت و جبهه فرهنگی را مورد بررسی قرار می‌دهند.

در یکی از این نشست‌های سالانه که با حضور دبیران استانی جبهه فرهنگی انقلاب و رابطان استانی جامعه ایمانی مشعر برگزار شد به مسئله وحدت اسلامی پرداخته شد مسئله‌ای که به آسانی نمی‌توان از کنار آن گذر کرد، مسئله‌ای که علمدار این انقلاب بارها و بارها اجمالاً و تفصیلاً در بیانات شریف خود به آن پرداخته است.

آقای علیرضا کمیلی از نخبگان و فعالان عرصه وحدت و جهان اسلام است که مسئولیت اتحادیه بین‌المللی امت واحده را نیز بر عهده دارد با حضور در این نشست به تشریح ضرورت و موانع فعالیت‌های وحدتی در هیأت‌ها پرداخته است که خواندن آن را به همه علاقه‌مندان به پیشرفت گفتمان انقلاب اسلامی پیشنهاد می‌کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ
إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ
إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ^۱

هیأت نماد محبت تشیع به اهل بیت

هیأت نماد محلی است که نوعاً تجلی ذکر و یاد اهل بیت است. در سنت‌های اسلامی، هیأت بیشتر در مجامع شیعی وجود دارد؛ محدود کشورهای اهل سنت هستند که برای ابی‌عبدالله ع‌ع‌ع عزاداری می‌کنند؛ یعنی ساختار و نهادی به نام هیأت در جهان اسلام وجود ندارد، مگر در میان شیعیان؛ این به این معنا نیست که در جهان اسلام بروز جلوه‌های حب اهل بیت فقط در میان شیعیان دیده می‌شود. چند روز است که یک وفد^۲ عربی از چهار کشور الجزایر، مصر، لیبی و فلسطین مهمان ما هستند. دیشب در

۱. سوره عصر، آیات ۱-۳.
۲. گروه.

جلسه با برخی از اهل سنت تهران درباره پرسش‌ها، شبهات و بحث‌هایی که در رسانه‌ها مطرح می‌شود، گفتگو شد. شخصی در میان آن‌ها خود را اهل خور در جنوب فارس معرفی کرد و گفت: «من سید احمد هاشمی هستم». عرب‌های حاضر در جلسه به او گفتند: «پس شما از اشراف هستید. از کدام نسل هستید؟». گفت: «نسل ما به سیدنا الحسن (علیه السلام) برمی‌گردد». در آن جلسه همه او را تکریم ویژه کردند؛ چون ایشان سید بود. ما از این دست مواجهه‌ها همه‌جا داشته و داریم.

امسال در بخش بین‌الملل «زیر سایه خورشید» به بیست کشور مبلغ اعزام کردیم. دوستان مبلغ با اینکه همه از فعالان بین‌المللی و زبان‌دان بودند از میزان عشق و علاقه‌ای که اهل سنت کشورهای مختلف نسبت به امام رضا (علیه السلام) داشتند، متعجب شده بودند. بنابراین چنین ظرفیتی وجود دارد.

ما چند سال است که روی این موضوع متمرکز شدیم و در مجموعه‌های مردمی فعالیت می‌کنیم. در این دو سه سال هم به همت جامعه ایمانی مشعر درباره جریان یافتن نگاه انقلاب اسلامی در هیأت‌های ایرانی تعاملاتی داشتیم و سعی کردیم در حد توان هر کمکی که از دست‌مان برمی‌آید، انجام دهیم؛ ولی واقعیت این است که بازخورد استان‌ها خیلی اندک بود. ما چند ایده ارائه دادیم. این ایده‌ها به بروشور و جزوه تبدیل شد و در قالب بسته‌هایی به هیأت‌ها ارسال شد.

طرح‌های اجرایی وحدت‌زا

یکی از طرح‌ها، طرح «حب‌الحسین (علیه السلام)» بود - طرح اعزام سخنران اهل سنت به هیأت‌های حسینی - که هم سال گذشته پیگیری شد، هم امسال. طرح دوم طرح «افطاری وحدت و مقاومت» بود - طرح دعوت از اهل سنت به افطاری‌های شیعیان و گفتگو درباره مسائل امت اسلامی خصوصاً فلسطین - که دو سال متوالی در مشعر پیگیری شد؛ ولی باز خورد آن دو طرح در استان‌ها کم بود. البته می‌توان توضیح داد که علت چه بوده است. یک بخش از ضعف کار، قطعاً به پیگیری‌ها مربوط می‌شود؛ یک بخش هم ابهام دلیل عدم تبیین [ضرورت مسئله است؛ یک بخش هم وجود موانع فکری درباره این موضوع در میان ما و شماست؛ یعنی در موضوعاتی مثل اقتصاد مقاومتی، خانواده، سبک زندگی و ... که حضرت آقا روی آن‌ها تأکید دارند، بین حزب‌اللهی‌ها بر سر مسائل بینشی و مباحث نظری اختلاف نیست؛ ولی در موضوعاتی مثل مسئله تقرب و وحدت، حتی حزب‌اللهی‌ها هم ترمزدستی را می‌کشند؛ بنابراین موانعی

وجود دارد. اگر مخالفتی هم وجود نداشته باشد لااقل در باب ضرورتش و اینکه اساساً زیاد موضوعیت ندارد اختلاف نظر هست و همین موجب کم شدن اهمیت آن می‌شود. در بهترین حالت این گونه است. انقلاب اسلامی به تعبیر حضرت آقا یک مکتب جدید بود؛ ایشان تأکید دارند که امام علیه السلام یک مکتب جدید و یک قرائت جدید از دین آوردند که نزدیک‌ترین قرائت به سیره اهل بیت علیهم السلام است و آنچه ما قبل از انقلاب با آن زندگی می‌کردیم، الزاماً نزدیک‌ترین قرائت به سیره اهل بیت علیهم السلام نبوده است. اگر این تفکر بخواهد خود را در واقعیت جامعه جهانی بروز دهد باید همه ابعاد آن بروز پیدا کند؛ یعنی نگاه کاریکاتوری به تفکر و اندیشه امام علیه السلام همان چیزی می‌شود که الان می‌بینیم. این همان نگاه جزئی‌نگر به پدیده‌ای به نام تفکر امام علیه السلام است. برخی از آن را که مطلوب می‌دانیم یا می‌فهمیم، ناخودآگاه است. این گزینش ما ناخودآگاه است و آن را بروز می‌دهیم؛ برخی را هم بروز نمی‌دهیم.



یک بخش از ضعف کار،
قطعاً به پیگیری‌ها مربوط
می‌شود؛ یک بخش هم
[به دلیل عدم تبیین]
ضرورت مسئله است؛
یک بخش هم وجود
موانع فکری فرهنگی
درباره این موضوع در
میان ما و شماست.

آسیب شناسی عدم ارتباط مذهبی ها با اهل سنت

در برخی استان ها بیش از پنجاه یا هشتاد درصد جمعیت اهل سنت هستند. در این استان ها متأسفانه ارتباطی بین بچه های حزب اللهی شیعه یا بنیاد خاتم با بدنه اهل سنت وجود ندارد. بعد نگران می شویم که آن ها چرا تندرو و سلفی می شوند. چرا نباید بشوند؟ سؤال برعکس است. چرا نباید بشوند؟ دوستان شان چه کسانی هستند؟ از کجا خط می گیرند؟ با چه کسانی نشست و برخاست دارند؟ شاعران ما باید با شاعران آن ها ارتباط داشته باشند؛ نویسندگان ما با نویسندگان آن ها مرتبط باشند؛ فعالان فرهنگی ما هم همین طور. وقتی در آنجا یک شعبه یا مؤسسه داریم باید روی آن بدنه هم کار کند. همه این ها به مبانی فکری برمی گردد؛ یعنی اگر گفتگویی ساده در این موضوعات مطرح می شود، بدیهی ترین مسائل به عنوان شبهه دیده می شود؛ مثلاً می گویند: «نقطه نهایی وحدت، یعنی از عقائدمان دست بکشیم؟» چنین سؤالاتی که در اذهان ما و شما وجود دارد نشان می دهد که اساساً این گفتمان هنوز اصلاً جا نیفتاده است. مجمع تقریب و دیگران هم در این ماجرا مقصر هستند؛ چون فقط در سطح علمای بزرگ و ارتباطات سنگین کار کرده اند؛ ولی در گفتمان سازی و توسعه این فکر و اندیشه کار جدی نکردند.



ضرورت توجه به تأکید رهبر معظم انقلاب به وحدت

طی چند سال اخیر که درباره صحبت‌های حضرت آقا تحقیق کردیم متوجه شدیم که بیشترین حجم بیانات ایشان مربوط به مسئله وحدت است؛ ولی کمترین پژواک را در میان بدنه مذهبی و حزب‌اللهی داشته است!! یعنی ایشان خیلی بیشتر از موضوعات سبک زندگی، جمعیت و اقتصاد مقاومتی درباره وحدت صحبت کرده‌اند. حضرت آقا در میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تحلیلی ارائه دادند که بسیار تکان‌دهنده بود؛ به‌ویژه برای کسانی که صحبت‌های ایشان را پیگیری می‌کنند و دست‌کم ایشان را به‌عنوان یک تحلیل‌گر قبول دارند؛ ایشان گفتند: «امروز جنگ منطقه ما به جنگ کسانی که خواهان مسئله وحدت هستند و کسانی که تفرقه را می‌خواهند، تقسیم می‌شود». تحلیل ایشان از تقسیم‌بندی نزاع امروز این است که دشمن از همه تیرهایی که به‌سمت ما رها کرده، ناامید شده است؛ آخرین حربه دشمن ایجاد درگیری درونی است؛ البته زیرساخت فرهنگی این حربه هم مهیاست.

بنده در قم یک دوست طلبه دارم که از اهالی هزاره افغانستان است. ایشان به خواستگاری یک دختر خانم سید از افغانستان رفت. پدر خانم ایشان هم در قم روحانی است. دوستانِ پدرِ دختر تلفنی به او گفته بودند: «اگر دختری را به این آدم بدهی، او را می کشیم». ایشان از ترس، در جلسه عقد دخترش پلیس آورده بود. این موضوعی است که برای ما و شما به برکت انقلاب کم رنگ شده است. در همین جلسه امروز اقوام ترک و کرد و لر و آذری و فارس و عرب کنار هم نشسته ایم. هیچ کس هم حس برتری نسبت به دیگری ندارد. این حالت به برکت انقلاب اتفاق افتاده است؛ ولی همچنان زیرساخت تعارضات قومی-مذهبی در منطقه ما به شدت پررنگ است. در افغانستان بین قومیت‌هایی مانند هزاره‌ها و تاجیک و پشتون و غیره درگیری هست؛ حتی داخل قومیت‌ها هم درگیری هست. آن‌ها دست سید را می‌بوسند. ولی از طرفی نمی‌پذیرند که غیرسید با دختر سید ازدواج کند. این را سنت‌شکنی می‌دانند؛ از یک طرف هم نشان‌دهنده جایگاه اهل بیت (ع) در میان آن‌هاست.

بعد از جنگ جهانی اول منطقه به دست انگلیس و فرانسه افتاد. پس از مدتی حکام دست‌نشانده را در مناطق مختلف مستقر کردند که تعداد زیادی از آن‌ها هاشمی هستند؛ یعنی همان هاشمی‌ها که در ادبیات آن‌ها به اشراف معروف‌اند. همین الان در غرب و شمال غرب آفریقا و مراکش هم حاکم هستند. در اردن، هاشمی‌ها حاکم هستند؛ آن زمان سعودی‌ها را به عربستان آوردند و این‌ها را به اردن بردند. در عراق هاشمی‌ها حاکم بودند. این‌ها را انگلیس در جاهای مختلف روی کار آورد؛ یعنی از محبوبیت اهل بیت (ع) در جهان اسلام استفاده کردند. این محبت ظرفیت عجیبی دارد. امیدوارم حداقل مصداق «**كُونُوا لَنَا رِیْئاً وَ لَا تَكُونُوا عَلَیْنَا شِیْئاً**»^۱ باشیم.

چند سال پیش تعدادی مهمان مصری داشتیم که اکثراً از اخوان المسلمین بودند. روز آخر سفرشان به قم آمدیم. از مقابل حرم حضرت معصومه (ع) عبور کردیم. آن‌ها مدام می‌پرسیدند: اینجا مرقد کیست؟

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۱.

گفتم: حضرت معصومه علیها السلام «اُخت علی بن موسی الرضا علیه السلام» است؛ درست نشناختند؛ گفتم: «اُخت علی بن موسی بن جعفر علیه السلام» است. وقتی به امام جعفر صادق علیه السلام رساندم، شناختند؛ گفتند: به حرم برویم؛ گفتم: فعلاً برنامه داریم. به جلسه رفتیم و بعد هم جلسه و جلسه و خلاصه شب شد. در راه نبات دیدند و چون تا آن موقع ندیده بودند، نبات خریدند و به سمت حرم رفتیم. در همین حین من با خودم دعا می کردم که مبادا توسط مردم برخورد بدی با آن ها شود. خیلی بد بود اگر در حرم اهل بیت علیهم السلام که محل رجوع همه است کسی با این ها برخورد نامناسبی داشته باشد و آن ها با این عشق و حالی که داشتند با خاطره بدی برگردند. خدا هم کمک کرد. جمعیت عظیمی در حرم بود. ماه شعبان بود و شخصی با لحن عربی بسیار زیبا مناجات شعبانیه می خواند؛ این ها هم عرب بودند و با شنیدن مناجات شگفت زده شدند؛ یکی یکی آمدند و پرسیدند: این فرد چه می خواند؟ چقدر زیباست. به تعبیر حضرت امام علیه السلام قرآن صاعد است. گفتم: مناجات شعبانیه است و توضیح دادم. دیگر اِبا نداشتند و به تمام صورت اشک می ریختند. ما اصرار نمی کنیم وقتی اهل سنت مهمان ما هستند آن ها را الزاماً به سمت ضریح ببریم؛ چون بعضی از زائرین روی زمین می افتند و دیدن بعضی صحنه ها برای آن ها شبهه ایجاد می کند؛ ولی آن ها خودشان برای زیارت اصرار کردند. من آنجا عمیقاً به یاد حدیث امام رضا علیه السلام افتادم که فرمودند: «إِنَّ النَّاسَ لَوُ عِلْمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا».^۱ ما هیچ کاری نکرده ایم. آن ها فقط مناجات را شنیدند و به گوش شان خورد؛ این مناجات دل ها را تکان داد. اگر دل آماده باشد، تکان می خورد. بعد از پنج روز که با هم بودیم، ایمل هایشان را به من دادند. ما مهمانانی از این دست زیاد داریم. یکی از آن ها یک سال بعد در ایام شعبان به من پیام داد و عکسی که در حرم گرفته بود برایم فرستاد و نوشت: «من قطعه ای از روحم را اینجا جا گذاشته ام». حالا ما اصلاً یادمان رفته بود که ایشان یک سال پیش در شعبان مهمان ما بود. این ظرفیت عظیم وجود دارد.

تصوف در میان اهل سنت

حب و ارادت به اهل بیت علیهم السلام و بروز آن در برخی از صوفی‌ها چنان پررنگ است که تصور می‌کنید شیعه هستند. فهم اینکه در کف جامعه اسلامی و ذیل مسئله سوریه و یمن و غیره، چه اتفاقی در حال رخ دادن است برای تحلیل شرایط فعلی جهان اسلام خیلی مهم است. بعد از فروپاشی قدرت‌های بزرگ اسلامی مانند عثمانی در صدسال پیش، زمینه گسترش سلفی‌گری مهیا شد و توسعه پیدا کرد؛ زیرا اکثریت جهان اسلام صوفی بودند. صفویه هم صوفی‌های اهل سنت بودند که گذار از تسنن به تشیع با این‌ها اتفاق افتاد؛ عثمانی‌ها صوفی بودند؛ در شبه قاره هند، گورکانیان صوفی بودند. اکثریت جهان اسلام همین الان هم صوفی هستند. صوفی‌هایی که اگر آن‌ها را ببینید بسیار شبیه به شیعه هستند؛ ولی در نماز به شکل اهل سنت نماز می‌خوانند. چنان حب و ارادت به اهل بیت علیهم السلام و بروزش در برخی از صوفی‌ها پررنگ است که تصور می‌کنید شیعه هستند. اکثریت جهان اسلام همچنان صوفی هستند. یکی از علل عقب‌ماندگی

مسلمانان و فروپاشی ابرقدرت‌های اسلامی در صدسال گذشته، صوفی‌ها معرفی شدند. به دلیل برخی انحرافات رفتاری غیرشرعی و مشکلات دیگری که داشتند؛ زمینه‌های رشد عقاید سلفی در منطقه ایجاد شده، هست و خواهد بود و به دلایل مختلف بیشتر هم خواهد شد.

یکی از علل عقب‌ماندگی مسلمانان و فروپاشی ابرقدرت‌های اسلامی در صدسال گذشته، انحرافات رفتاری و فکری صوفی‌ها معرفی شده است که زمینه رشد عقاید سلفی در منطقه هم شد.

ما در سال گذشته با سه کاروان اهل سنت از خراسان و کردستان و سیستان و بلوچستان به پیاده‌روی اربعین رفتیم. از آن‌ها پول هم گرفتیم. پس از بازگشت از جاهای مختلف به این‌ها حمله شد که شما شیعه شدید. ولی با مصاحبه‌ها و مطالبی که خود اهل سنت نوشتند حتی جریاناتی که منتقد بودند مجبور شدند اعتراف کنند که اصلاً توسل در میان اهل سنت هم مستحب است.

نزدیکی اهل سنت به شیعه

شرایط به نحوی پیش می‌رود که سنت عرفانی صوفیانه و تصوف موجود در جامعه ایرانی - که شیعه و سنی را دربرمی‌گرفته - و فضای شعرهای عرفانی، جرم محسوب می‌شود. گفتیم: ما درباره پیاده‌روی اختلاف نظر نداریم. اگر کسی ابراز ارادت ویژه‌ای کرد و بعضی از مناسک خودش را انجام داد، به معنی دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام نیست؛ دوستان سریع در ذهن شان تفکیک کنند؛ چون ما در میان اهل سنت، دشمن اهل بیت علیهم‌السلام نداریم؛ ناصبی‌ها مدت‌هاست که از بین رفته‌اند. اگر حتی بعضی‌ها قبرها را منفجر می‌کنند، به این معنا نیست که شخص مدفون را محترم نمی‌دانند! اتفاقاً او را محترم می‌دانند و معتقدند چون او محترم است، جرم زائرش هم بیشتر است؛ معتقدند بتکده درست کرده‌اید و این کار را شرک می‌دانند. سماع موتی یعنی شنیدن مردگان را قبول ندارند و می‌گویند این کار شرک است و نباید با بزرگان و اولیای دین این کار را کرد. بعضاً از این نوع نگاه موجود است.

متأسفانه زمینه توسعه این نگاه کم‌کم مهیا شد. ما اسامش را رفتارهای شیعه‌گونه در اهل سنت می‌گذاریم. تا پیش از انقلاب در مناطق مختلفی از ایران دسته‌های عزاداری اهل سنت وجود داشت. دشمن بعد از پدیده انقلاب اسلامی به چند مسئله به‌صورت ویژه ضریب بالا داد که یکی هم اختلاف شیعه و سنی است. زمینه اتهام برای اهل سنتی که به مراسم اربعین و حرم می‌آیند، وجود دارد و بعضی از ترس نمی‌آیند؛ وگرنه هم اربعین و حرم را قبول دارد، هم به‌لحاظ فقهی و کلامی و اعتقادی مشکلی در مراسم اربعین نمی‌بینند.

هیأت از یک طرف محل بروز عواطف و احساسات است و از طرف دیگر نماد شیعه‌گری. هیأت نماد تشیع است. هیأت از اختصاصات شیعه است، نه یک مسئله مشترک اسلامی؛ با جلسات قرآن و مساجد و دیگر مشترکات تفاوت دارد. هیأت‌ها می‌خواهند رویکرد اهل بیت (ع) را داشته باشند؛ امام (ع) و حضرت آقا هم مطلبی خارج از سیره اهل بیت (ع) نفرموده‌اند؛ اگر یک هیأت می‌خواهد در تراز انقلاب باشد، مهم است که میان خود با این پدیده‌ها نسبت‌سنجی کنند. ممکن است در یک شهر هیچ مسلمان سنی زندگی نکند و همه شیعه باشند. این شاید برای ما ضریب موضوعی به معنای منطقه‌ای نداشته باشد؛ ولی از این منظر باید به پدیده نگاه کرد که ما نسبت به این موضوع دو مسئله جدی در میان شیعیان داریم؛ یکی اینکه باید اصلاح رفتاری فکری نسبت به این پدیده صورت گیرد و دوم اینکه خطر گرایش به افراطیون و جریان‌افراطی در میان شیعیان هم در حال رشد است.

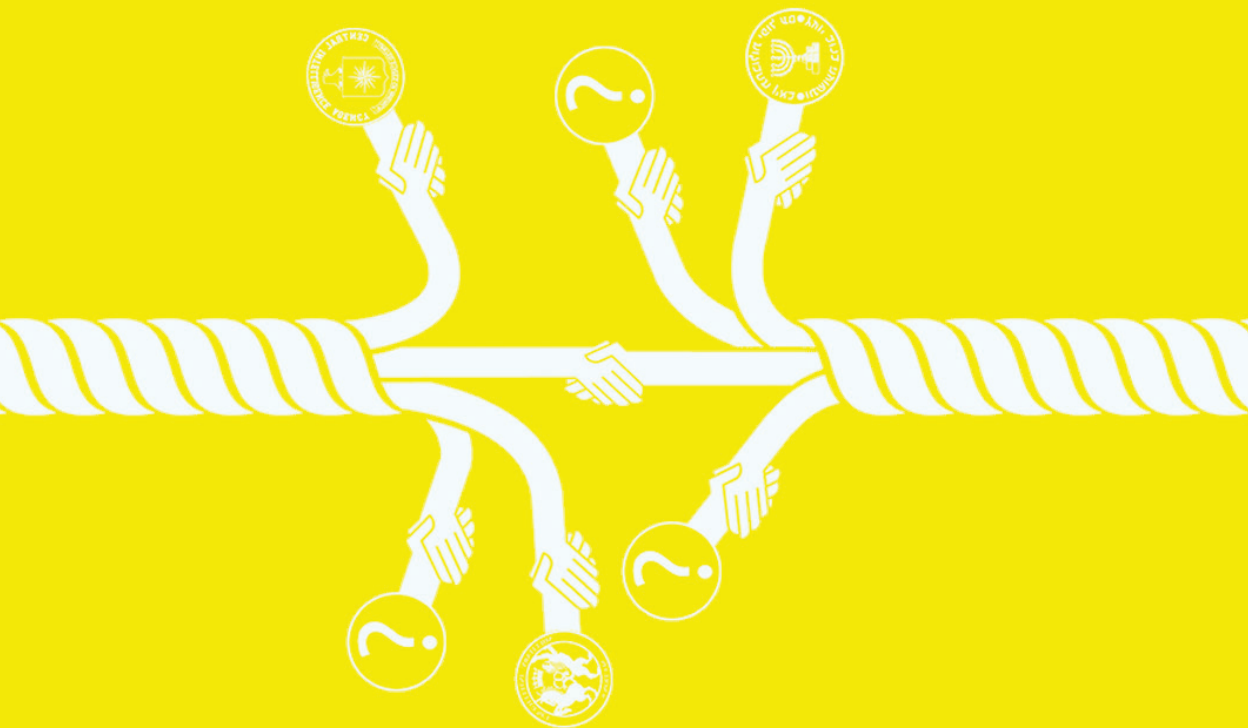
لزوم اصلاح فکری و رفتاری شیعه نسبت به اهل سنت با محوریت وحدت

امسال برای اولین بار در آذربایجان قمه زدند. جریان شیرازی‌ها و غیره مشغول کار هستند؛ این طور نیست که اگر شما جامعه‌المصطفی را تأسیس کنید، آن‌ها بایستند و نگاه کنند. به اصلاح نگاه و رفتار شیعیان نسبت به اهل سنت باید از باب وجوب مقدمه واجب نگاه کرد؛ این یعنی توجه به شیعه؛ حتی اگر بخواهیم اهل سنت را در همین سنت فکری، کلامی و فقهی خودشان نگه داریم، باید رفتار شیعیان را به‌ویژه در مناطق مشترک، اصلاح کنیم تا بتوان با سنی‌ها کار کرد. نمی‌شود شیعیان همین‌طور با اخم و غضب به آن‌ها نگاه کنند و بعد بگوییم چرا این‌ها پیش ما نمی‌آیند یا چرا هیأت نمی‌آیند. معلوم است که نباید هم ببایند؛ وقتی هیچ ارتباطی بین ما و آن‌ها نباشد و ما هیچ برنامه‌ای نداشته باشیم، تندرو و سلفی می‌شوند؛ چون دیگران با آن‌ها کار می‌کنند. پس اصلاح رفتاری و فکری شیعیان که در هیأت‌ها بُروز ویژه و جدی‌تری دارد، نکته بسیار مهمی است؛ چون آن شور و عواطف هم بُروز پیدا می‌کند.

مقدمه دوم مختص هدف دوم است و خودش هم بالاصاله موضوعیت دارد؛ زیرا قرار است هیأت تراز انقلاب اسلامی شکل بگیرد؛ هر چند که اساساً هیچ ارتباطی بین این هیأت‌ها و آن برادران به‌عنوان هدف دوم وجود نداشته باشد. امروز دشمن هیأت را مصداق افراطی‌گری در ذهن اهل سنت معرفی می‌کند. از این حیث هیأت تراز در قبال مسئله جهانی، موضوعیت دارد. یک‌بار در کشور تانزانیا مهمان بودم؛ مفتی آنجا فیلم یک هیأت ایرانی را به من نشان داد و گفت: این چیست؟ نگاه کردم و گفتیم: این تمرین حج است. چند نفر آن کعبه را درست کرده بودند؛ یک نفر هم مداحی می‌کرد و مردم هم گرد کعبه ساختگی می‌چرخیدند. گفت: من می‌دانم که این چیست. من چند بار به ایران آمده‌ام؛ ولی این فیلم را وهابی‌ها به‌طور گسترده پخش کرده‌اند و ادعا می‌کنند که ایرانی‌ها برای خودشان حج و کعبه دیگری دارند. چیزهای پیش‌پاافتاده و ساده که شاید برای من و شما خنده‌دار باشد برای آن‌ها محل شبهه شده است. ایشان بعد اصرار کرد که به فلانی بگویید یک مقاله در روزنامه بنویسد و این واقعیت را اعلام کند. پس شرط اول یعنی اصلاح فکری رفتاری بدنه مذهبی شیعه.

ارتباط با اهل سنت مانع رشد سلفی‌گری

یکی از نتایج برقراری ارتباط ما با اهل سنت، جلوگیری از افتادن بدنه اهل سنت به ورطه تکفیر است. اهل سنت هم مثل خود ما نسبت به بدنه عوام و غیر مذهبی، حکم تعمیمی صادر نمی‌کنند. شاید یک طلبه یا یک هیأتی رفتاری کند و اهل سنت بگویند: شیعیان این‌طور هستند. ولی وقتی یک آدم معمولی حرفی بزند ممکن است این‌گونه برداشت نکنند که کل شیعه این فکر را دارد. ما اگر این ارتباطات را برقرار کنیم، یکی از اثراتش این خواهد بود که از افتادن بدنه اهل سنت به ورطه تکفیر و جهاد جلوگیری خواهیم کرد. در ایام نزدیک به فاطمیه، پیش اهل سنت در مشهد رفته بودم. یکی می‌گفت: «والله قسم! ما از شما بیشتر فاطمه داریم؛ من خودم دو دختر به نام فاطمه در خانه دارم. ولی شما نام‌های آتنا و ... برای فرزندانمان می‌گذارید». جرم بسیار سنگینی خواهد بود که رفتارهای ما منجر به فاصله گرفتن عده‌ای از اهل بیت علیهم‌السلام شود. بسیاری از اهل سنت، ارادت ویژه‌ای به اهل بیت علیهم‌السلام دارند؛ ولی شیعیان را منحرف می‌دانند؛ یعنی میان آنچه از شیعه می‌بینند با اهل بیت علیهم‌السلام تفکیک می‌کنند؛ به حساب اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌نویسند. اکثریت این‌طور هستند؛ چون حب به اهل بیت علیهم‌السلام جزئی از عقیده آن‌هاست. حالا چه باید کرد که این اتفاق در هیأت‌ها رخ دهد؟ چند کار را باید انجام دهیم که متهم نشویم. هیأت‌ها مخاطب افراطی شیعه هم دارند. این‌ها را با عواطف و احساسات شاید راحت‌تر بتوان اغنا کرد. حضرت امام علیه‌السلام در «منشور روحانیت» درباره این جریانات می‌گویند: «ولایتی‌های احمق بی‌شعور». اگر امام علیه‌السلام این را نمی‌گفتند ما جرئت نمی‌کردیم، بگوییم. منظور کسانی است که سنگ ولایت را بیشتر از خود امیرالمؤمنین علیه‌السلام به سینه می‌زنند. بدنه عوام اگر ببینند که بچه‌های ولایتی با اهل سنت دوستی می‌کنند، راه را پیدا می‌کنند. باید مراقب باشیم که متهم به دوری از اهل بیت علیهم‌السلام نشویم و اتفاقاً ثابت کنیم که سیره مؤدبانه با دیگران دقیقاً سیره اهل بیت علیهم‌السلام بوده است.



امروز، هم در بین اهل سنت، هم در بین شیعه، دستهایی در کار است برای اینکه اینها را از هم جدا کند؛ همه ی این دستها هم اگر جستجو کردید، می رسد به مراکز جاسوسی و اطلاعاتی دشمنان اسلام؛ نه دشمنان ایران، نه دشمنان شیعه فقط؛ دشمنان اسلام. آن تشیعی که ارتباط به ام آی شش انگلیس داشته باشد، آن تسننی که مزدور سی آی ای آمریکا باشد، نه آن شیعه است، نه آن سنی است؛ هر دو ضدّ اسلامند.

لزوم تبیین اعتقادی عدم تناقض حفظ عقاید شیعه و وحدت

این تحذیرات ما نسبت به این حرکت است؛ ما در عین اینکه نگاه اصیل اهل بیت علیهم السلام را تبیین می‌کنیم نباید تصور شود که این حرکت مانوعی عقب‌نشینی از افکار و عقاید است. اصلاً جریان افراطی این گزاره را دامن می‌زند که وحدت به معنی عقب‌نشینی از عقائد است. کاملاً باید در ذهن مخاطب جا انداخت که پذیرفتن وحدت چنین ملزومی ندارد؛ ما می‌توانیم وحدت را قبول داشته باشیم در عین اینکه عقیده خود را هم حفظ می‌کنیم. یکی از راه‌ها این است که هیأت‌ها و نیروهای انقلابی و مذهبی برای اثبات این بحث‌ها فقط به جملات امام علیه السلام و حضرت آقا استناد نکنند. مخاطب مذهبی نباید تصور کند که این موضوع یک پدیده سیاسی است. برای همین هم حضرت آقا و امام علیه السلام و غیره، این‌ها را مدام ضریب دادند؛ نهایت آن هم ربطی به عقیده ما ندارد؛ یعنی اگر به یک پدیده سیاسی تبدیل شود، بسیار خطرناک است؛ نباید تخم نفاق را

در درون بچه‌های خودمان بکاریم. وقتی این همه سیره اهل بیت (ع) و روایات داریم تکلیف ما واضح است. حتی اگر هیچ روایتی نبود و فقط روایت «**كُونُوا لَنَا رِبِيًّا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا سِينًا**»^۱ به ما رسیده بود، برای ما کافی بود. آیا ما با فحش و لعن و غیره، زینت و جذاب خواهیم بود یا با محبت و احترام؟ این مدلول التزامی کلام است و وضوح دارد. کاری به مباحث اختلافی موجود در این ماجرا ندارم. ورود به این نوع موضوعات نباید صرفاً از منظر امام (ع) و حضرت آقا صورت گیرد؛ یعنی نباید این نگاه شکل بگیرد که این موضوع یک پدیده سیاسی است.

قالب آن چیزی که هیأت‌های انقلابی ما باید تولید کنند، سینه‌زنی و مداحی با مضمون وحدت است. این روح حاکم بر هیأت و روح حاکم بر رفتار ما نیست؛ می‌توان درباره یک مناسبت هفته‌ای یک‌بار صحبت کرد تا تمام شود. شاید در نوع خودش اولین بار بود که جامعه ایمانی شعر میدان‌دار شد و کنگره مجازی شعر وحدت را برگزار کرد. پیش از این شاید فقط چهار قطعه شعر از اقبال درباره این موضوعات وجود داشت. شعری که آقای آتشی و دیگران در محضر حضرت آقا خواندند، ضریب گرفت. الحمدلله اتفاق خوبی افتاد. من معتقدم باید کمی بومی‌تر از این گفته شود. قالب آن چیزی که هیأت‌های انقلابی ما باید تولید کنند، سینه‌زنی و مداحی با مضمون وحدت باشد. قصیده و غزل هم خیلی خوب است؛ ولی باید درونی شود. مثل ذکر و شعری که هیأتی‌ها مدام زمزمه می‌کنند. نه اینکه فقط کلمه وحدت در شعری باشد؛ بلکه وحدت باید مضمون شعر مداح و دم سینه‌زنی باشد؛ در این زمینه کارهای محدودی انجام شده است. این یکی از موارد خلأ است. این نوع خروجی‌ها و تولیداتی که مناسب هیأت‌ها است به‌خوبی می‌تواند لایه رفتار یا سبک زندگی را جهت دهد.

من پیشنهاد کردم در محرم و صفر به‌حسب شرایط، تعدادی از اهل سنت ایران که محب اهل بیت (ع)

هستند و درباره اهل بیت علیهم السلام شعر دارند در هیأت‌های ما سخنرانی کنند؛ نام این طرح را طرح «حب الحسین علیه السلام» به معنی «حب الحسین بجمعنا» گذاشتیم. این ایده مطرح و در یکی دو جا هم انجام شد. تهران در هیأت شهدای گمنام حاج آقا پناهیان دو یا سه سال پیش در هفته وحدت انجام شد و بسیار هم مؤثر و خوب بود. این کار می‌تواند ذهنیت غلط و تصویر ذهنی بچه‌هیأتی‌ها را، که تصور می‌کنند سنی‌ها دشمن اهل بیت علیهم السلام هستند و نمی‌توان با آن‌ها برادری و دوستی کرد، اصلاح کند. ما هم اگر مطمئن باشیم کسی دشمن اهل بیت علیهم السلام است، سمت او نمی‌رویم. البته این طرح مفصل‌تر است. می‌توان طرحی به نام «چله ارتباط» مطرح کرد؛ مثلاً در فاصله بین هفته وحدت و دهه فجر که حدود چهل روز است، برنامه ارتباط و رفت‌وآمد به خانه اهل سنت داشته باشیم. این کار بهتر است در بعضی از اعیاد خاص که اهل سنت هم آن را تکریم جدی می‌کنند، اتفاق بیفتد. بچه‌های هیأتی آن‌ها را دعوت کنند و خودشان هم بروند.

یک طرح هم به نام «افطاری وحدت و مقاومت» بود که دوستان زحمت کشیدند و به هیأت‌ها ارسال کردند. استقبال از این طرح هم کمی از نظر تجاوب^۱ کم‌رنگ بود. حالا علل مختلفی می‌تواند داشته باشد؛ به هر حال این کارها می‌تواند به سنت تبدیل شود و از مصادیق «مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ أَتَّابِهَا»^۲ باشد.

ایام ماه رمضان و ماه امت، همه مضامین دعا‌های ماه رمضان، مضامین امتی است؛ ایده این بود که وقتی هیأت افطاری می‌دهد، چند نفر هم از اهل سنت دعوت شوند و ده دقیقه هم صحبت کنند؛ این برنامه‌ها به ارتباطات کمک می‌کند و کم‌کم این مشکل در ذهن آن‌ها اصلاح می‌شود که هیأتی یک فرد متنفذ از اهل سنت نیست.

۱. یکدیگر را جواب دادن.
۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳۷.

چند روز پیش یکی از مولوی‌ها مهمان ما بود. ایشان می‌ترسید برای زیارت به حرم برود. مدام می‌پرسید: چیزی نخواهد شد؟ گفتیم: برادر مشکلی نیست؛ کسی کاری به شما ندارد. خلاصه رفت. حضور ایشان در مشهد با حضور خانواده شهید حججی هم‌زمان شد. ایشان اصرار کردند که در مراسم شهید حججی حاضر باشد. هر جا می‌رفتیم در صحبت‌هایش مدام از این شهید بزرگوار تعریف می‌کرد. دوستان کمک کردند و ایشان را برای استقبال از خانواده شهید بردند. چنین ظرفیت‌هایی وجود دارد؛ چون اهل سنت به دلیل ذهنیت‌های غلطی که از ما دارند مدام تصویر ذهنی می‌سازند. رسانه‌ها هم تأثیر فراوانی در ایجاد این تصویر غلط دارند. ما با بر ساخت رسانه‌ای زندگی می‌کنیم، نه با واقعیت. درباره فضای شیعیان باید کارهای تبیینی، فکری و آموزشی صورت گیرد؛ این کار به عهده سخنرانان و امثالهم است. بخشی از کارها هم کارهای حسی است. کارهایی که در مخاطب حس ایجاد کرده و می‌تواند تصویر ذهنی او را تغییر دهد.

امیرالمؤمنین در برابر رباندگان حقش قیام نکرد
و قیام نکردنش اضطراری نبود،
بلکه کاری حساب شده و انتخاب شده بود ...
علی در حساب صحیحش بدین نکته رسیده بود که
مصلحت اسلام در آن شرایط، ترک قیام
و بلکه همگامی و همکاری است.
او خود کراراً به این مطلب تصریح می کند.



کتابخانه الشهادة



که به دنبال ارتباط بیشتر
مجتان سیدالشهدا(ع) است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آینه تولیدات
و فعالیت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...

۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۱۵۴۲
۳ . . .
www . ۱۵۴۲ . org
info @ ۱۵۴۲ . org

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور،
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است